


## «جنگِ جمال» به زبان ساده

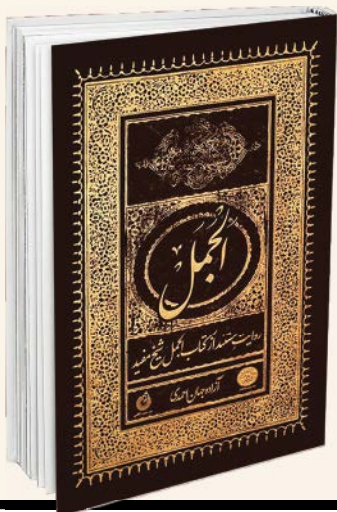
	پونه فضائلی
	منتقد ادبی

صرف نظر از آنها که سروکار داشتن با تاریخ به نوعی شغل شان محسوب می شود، مابقی افراد عموماً باید برای خواندن متون تاریخی انگیزه‌های قوی داشته باشند. یکی از این انگیزه‌ها می‌تواند کسب آگاهی از احوالات اقوام و نحو وقوع و سیر اتفاقات گذشته باشد. از طرف دیگر خواندن تاریخ اسلام، خصوصاً آن بخش‌هایی که به زندگی معصومین (ع) مرتبط می‌شود هم دلایل خاص خود را دارد. در میان انبوه کتاب‌های تاریخی هم آنهایی که به بزنگاه‌ها و وقایع مهم پرداخته‌اند معمولاً خوانندگان بیشتری دارند؛ یکی از این کتاب‌ها «الجمال» نوشته شیخ مفید است. محمدبن محمد مشهور به مفید از علما و متکلمان بزرگ شیعه در قرن چهارم ه. ق، متولد و ساکن بغداد بوده که صاحب آثار قابل توجه و متعددی در فقه و تاریخ تشیع است. وی در این کتاب به بیان بخشی مهم و حساس از تاریخ صدر اسلام یعنی چگونگی وقوع جنگ جمل (۳۵ ه. ق) می‌پردازد.

قبل از شیخ مفید، کتاب‌هایی با موضوع این جنگ سرنوشت‌ساز نوشته شده بود، اما او که نیاز به تبیین این واقعه مهم را به درستی درک می‌کرد برای نوشتن این اثر بیشتر از منابع و آرای اهل سنت استفاده کرد و تلاش نمود باتکیه بر مستندات آنها، بطلان برخی استدلال‌ها و عقاید در خصوص مسأله امامت و موضوعات مرتبط با آن را اثبات نماید.

کتاب الجمل علی‌رغم اهمیتش، به دلیل زبان و ساختار کلامی و تاریخی‌اش شاید جذابیت چندانی برای خوانندگان امروزی نداشته باشد اما آزاده جهان احمدی با بازنویسی آن به زبانی داستانی و روایی آن را به اثری پرکشش و خواندنی تبدیل نموده است. او در نگارش این کتاب تلاش کرده است با حذف برخی روایت‌های بعضاً مشابه و به هم ریختن تقدم و تاخر مطالب به خطی روایی و داستانی در خصوص پیش‌زمینه‌ها، علل و نتایج جنگ جمل دست پیدا کند. وی همچنین در نوشتن وقایع تنها به کتاب شیخ مفید اکتفا نکرده و در صورت لزوم از منابع معتبر تاریخی دیگر نیز برای شرح برخی مسائل و اتفاقات بهره گرفته است.

جهان احمدی ضمن حفظ گفت‌وگوها، خطبه‌ها و نامه‌هایی که در اصل کتاب وجود دارد، به درستی از عنصر تخیل در توصیف فضاها و حالات و رفتارهای افراد استفاده کرده است. این کار جنبه داستانی اثر را پررنگ‌تر و آن را خواندنی‌تر نموده است؛ گرچه این تلاش در بعضی بخش‌ها قوی‌تر به چشم می‌خورد. از نقاط قوت کتاب زیرنویس‌های صفحات و پانویس‌هایی است که در انتهای هر فصل آمده و برخی نکات را برای خواننده گشوده و توضیح داده است.



برای «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» که حال مادرها را خوب می‌کند

## خوشا به حال پروانه‌ها...

قفسه‌ها پر سه‌ای زدم که ناگهان کتابی تو جهم را جلب کرد. ذکر خیر نویسنده را بارها شنیده بودم و البته باقی کتاب‌های ناشر را قبلاً خوانده و پسندیده بودم. انگار دستی از کتاب برای پیشنهاد دوستی به طرفم دراز شد. من هم یا علی‌گویان، عزمم را جزم کردم که دستش را پس زنم و اگر سنگ هم از آسمان بیارد کتاب را بخوانم. چند روز بعد که خواندن کتاب را به پایان رساندم احساس خوبی داشتم... اگرچه زندگی من با قهرمانان صبور و مبارز کتاب فرسنگ‌ها فاصله داشت اما هنر نویسنده چنان در نگارش کتاب خودنمایی کرده بود که هر مادری می‌توانست مطلوب خود را از بین داستان‌های کتاب برداشت کند.

کتاب پروانه‌ها گریه نمی‌کنند داستان پرفرازونشیب زندگی کسانی است که یک فرزند معلول در خانه دارند. خانواده‌هایی که اگرچه روزگار بر آنها سخت گرفته اما سرشار از محبت و امید و انرژی هستند.

بعد از خواندن این کتاب، دیگر مادر قبل نبودم چون با قلم توانای نویسنده و خاطرات صریح و بی‌پروای راویان کتاب، معنای واقعی صبر، عشق، انگیزه و امید را با تمام وجود درک کرده بودم. من طی همین ۳-۲ روز که مشغول

خواندن کتاب بودم فهمیدم چه بسیارند مقربینی که دعا، نذر و نیازشان برای گرفتن حاجت به درگاه الهی پذیرفته نمی‌شود اما همچنان عارفانه و عاشقانه و مصرانه در حریم الهی می‌مانند و مأیوس و سرخورده نمی‌شوند. من با خواندن کتاب، یاد گرفتم که برای «مادری‌کردن» شرط و شروط نگذارم؛ باید فرزندان را با نهایت عشق و اخلاص همان‌طور که هستند بپذیرم و از وجودشان لذت ببرم. و در آخر؛ خوشا به حال پروانه‌هایی که امثال خانم اعتمادی و دیگر قهرمانان کتاب، برایشان مادرند و همدم و رفیق....



زینب گل محمدی
نویسنده

بعضی کتاب‌ها را که می‌خوانی خط‌ها و سطرهايش داد می‌زنند که نویسنده قلم را به دست گرفته و تا آخرین رمق از عشق نوشته است. بعضی کتاب‌ها را که می‌خوانی داستان و شخصیت‌هایش چنان زنده و واقعی هستند که انگار داری تئاتری جذاب یا فیلمی مهیج می‌بینی.

بعضی کتاب‌ها را که می‌خوانی ناخودآگاه در واژه‌واژه‌هایش غرق می‌شوی و لایه‌لای تشبیهات و تمثیلات زیبایش خود را گم می‌کنی. بعضی کتاب‌ها را که می‌خوانی قصه‌شان ماندگارترین داستانی می‌شود که در عمرت شنیده‌ای و دیگر به سختی می‌توانی از صف فکر و خیال‌های روزمره جدای‌شان کنی.

کتاب «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» را وقتی در دست گرفتم که سرمای روز بعد از یک روز برفی، چنان خانه‌نشین‌مان کرده بود که هیچ‌کدام حوصله همدیگر را نداشتیم؛ نه پسرم بنا داشت دست از نواختن خواهرهایش بردارد نه خواهرهای کوچک‌تر تصمیم داشتند مثل هرروز بزرگوارانه از کنار قداره‌کشی و بهانه‌جویی‌های برادر رد شوند و من در میانه این رینگ کشتی‌کج ایرانی، خسته و مستأصل به اتاق کتابخانه پناه بردم شاید امواج کتاب‌ها مثل کپسول اطفای حریق آتش‌نشان‌ها کمی از آتشی که از سرم فواره می‌زد را خاموش کند. با نگاه در

## برای علاقه‌مندان به داستان‌های پرهیجان

■ کوتاه درباره رمان «دختری در قطار»

پریسا شیرازی
کتابخوان

رمان «دختری در قطار» نوشته خانم پائولا هاوکینز است. این رمان در سال ۲۰۱۵ منتشر شده و در لیست کتاب‌های پرفروش نیویورک تایمز قرار گرفت.

کتاب با محوریت سه شخصیت زن است که سرنوشت هر سه به نوعی با هم مرتبط است.

داستان با به تصویرکشیدن فضای قطار و ریل‌ها آغاز می‌شود.

ما این فضا را از دید شخصیت اول داستان یعنی ریچل نظاره می‌کنیم. ریچل هر روز با قطار لندن رفت‌وآمد می‌کند و زندگی آشفته‌ای دارد.

او در مسیر هر روز خود زوجی را می‌بیند که زندگی عاشقانه‌ای برای آنها تصور می‌کند اما یک روز با خبری



تکان دهنده مواجه می‌شود که تمام تصورات او را برهم می‌زند.

شخصیت دیگر داستان آنا است که در خانه سابق ریچل و با همسر سابق او یعنی تام زندگی می‌کند. ریچل بعد از ضربه‌ای که از جدایی با تام می‌خورد بار زندگی آنا را با بحران روبه‌رو می‌کند. شخصیت بعدی داستان نامش مگان است که در واقع خط اصلی داستان با اتفاقی که برای او می‌افتد پیش می‌رود.

ابتدای کتاب ممکن است کمی خسته‌کننده باشد اما کتاب را رها نکنید. کتاب دختری در قطار یک رمان جنایی و معمایی است که در آن تا حدودی به مباحث روان‌شناسی نیز اشاره شده است.

ویژگی اصلی کتاب این است که شما ممکن است تا پایان کتاب به هریک از شخصیت‌ها مظنون شوید. اگر علاقه‌مند به داستان‌های پرهیجان هستید خواندن این کتاب را از دست ندهید.